

گزارش علمی از کنفرانس اعتبار و جایگاه علم نجوم در تعیین ماه های قمری (جدلیه) العلاقة بين الفلك و الفقه و شرعية علم الفلك في تحديد المواقيت الشرعية)

نویسنده: [رضا اسلامی](#)

مقدمه

این کنفرانس از سوی (مؤسسه الفکر الاسلامی المعاصر للدراسات والبحوث) تحت اشراف علامه سیدمحمدحسین فضل الله و به مدیریت دکتر نجیب نورالدین برگزار شد. زمان و مکان برگزاری کنفرانس، پنج شنبه و جمعه 25 و 26 شباط 2010 میلادی، مصادف با 11 و 12 ربیع الاول 1431 قمری در بیروت، قریه الساحة، هتل (الساحة) بود. این هتل ظاهراً بازسازی یک اثر تاریخی قلعه مانند است که با قلعه های بزرگ سنگ بنا شده است و انسان را به یاد قلعه های قدیمی رومیان می انداخت؛ یک حیاط بزرگ و یک رستوران کاملاً مجهز و سالن های متعدد برای برپایی جشن ها و اجتماعات داشت، اتاق های محل سکونت توریست ها در یک زاویه هتل و در دو طبقه بود، هر اتاقی نیز طرحی خاص و متنوع داشت. این هتل به همراه بسیاری از هتل ها و مؤسسات و پمپ بنزین ها، همه از سوی علامه فضل الله سرمایه گذاری شده و سود آن عائد امور خیریه و بالخصوص تکفل ایتمام می شود. از ایران بنده با مقاله ای تحت عنوان (جایگاه حکم حاکم در اثبات آغاز ماه های قمری) به همراه آقای رضا مختاری که مجموعه پرارزش (رؤیت هلال) را در طی پنج مجلد گردآوری کرده است و مقاله ای تحت عنوان (دیدگاه شیعه و سنی پیرامون هلال ماه ذی حجه در مکه) فراهم ساخته بود در این کنفرانس به نمایندگی از پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حضور داشتیم.

نشست اول، صبح پنجشنبه

پنج شنبه مطابق 11 ربیع الاول 1431، ساعت 10 صبح در یکی از سالن های هتل، جلسه افتتاحیه کنفرانس برپا شد. این سالن هیچ یک از خصوصیت های سالن های کنفرانس را نداشت و از مهم ترین اشکالات، صندلی های چوبی خشک آن بود که تا آخر جلسات همه را خسته می کرد.

محل سخنرانی و سیستم نور و صدا و محل استقرار خبرنگاران و پرده تصویر در همه سالن ها نامناسب بود و نیز مدیریت جلسات و تنظیم برنامه ها نیز به شکل مطلوب و با تجربه لازم نبود.

جدول برنامه ها که در دو ورقه منتشر شده بود، از همان نشست اول اجرا نشد. علامه فضل الله به دلیل بیماری در جلسه حاضر نشد و نائب رئیس مجلس اعلاى شیعی، آقای شیخ عبدالامیر قبلان نیز حضور نیافت. در نشست های بعدی نیز جدول برنامه ها و سخنرانان عوض می شدند، تا جایی که چهار بار برنامه مکتوب عوض شد و آخرین تغییرات نیز در جلسه اختتامیه رعایت نشد. برنامه با مقدمه ای از مجری آغاز شد، این مقدمه درباره ضرورت تلاش علمی برای توجیه نظر فقهی علامه فضل الله مبنی بر اعتماد به محاسبات نجومی برای تولد تکوینی ماه و کفایت آن در اثبات نزد شارع بود.

از جمله مطالب این بود که اگر علم فلک در تعیین وقت نماز ظهر و عصر مورد اعتماد است، پس چرا در تعیین وضعیت قمر نتواند

مورد اعتماد باشد. اگر سخن دانشمند فلکی درباره حرکت شمس مورد اعتماد فقهاست، پس چرا سخنش درباره حرکت قمر مورد اعتماد نباشد. از اینجا علامه فضل الله صاحب نظران را به بحث و بررسی مسئله فراخوانده است، چه در بُعد نظری و علمی آن و چه در بُعد تطبیقی و عملی آن و امید است که دستاورد کنفرانس در جهت وحدت رویه مؤثر باشد.

سخنرانی دکتر نجیب نورالدین

سخنران اول، دکتر نجیب نورالدین مدیر مؤسسه الفکر الاسلامی المعاصر بود. وی پس از خوش آمدگویی به نمایندگان مراجع دینی و سیاسی و مؤسسات و افراد شرکت کننده، به نکاتی اشاره داشت.

موضوع هلال، موضوعی جدلی در میان همه مذاهب است و به همه مناسبات دینی ما مربوط می باشد. اگر ما از علوم جدید استفاده کنیم، می توانیم اختلاف موجود میان علمای دینی و از جمله اختلاف در امکان رؤیت و اثبات اول ماه با چشم عادی یا چشم مسلح را از میان برداریم. هم اکنون بحث و گفت و گوی بسیاری درباره استفاده از علم اخترشناسی در این زمینه وجود دارد.

شکی نیست که علم فلک از دقیق ترین علوم است و نسبت خطا در آن نزدیک به صفر است. استفاده از دستاوردهای این علم، آثار مثبت بسیاری دارد. علامه فضل الله معتقد است که نزاع موجود میان فقها درباره اثبات اول ماه را می توان با استفاده از علم اخترشناسی از میان برد و از این طریق راهی برای توحید صفوف مسلمین و اظهار وحدت و همبستگی اسلامی در مراسم دینی و اعیاد اسلامی پیدا کرد که امری مطلوب و مرغوب است، خصوصاً با توجه به اینکه تجربه های ما اثبات کرده است که اشکالی در محاسبات نجومی برای زمان وقوع خسوف و کسوف نیست و اعتماد بر علم فلک شایسته است.

در عین حال باید توجه داشت که اخترشناسی و علوم فلکی چیزی کاملاً متفاوت و متغایر با علم تنجیم است و سخن ما درباره تعامل علم فقه و علم فلک و اعتماد آنها به یکدیگر است. البته واقعیت آن است که میان این دو علم نوعی تقارب رو به رشد احساس می شود (فصار هذا العلم معیناً للفقهاء) و از میان فقها هستند کسانی که علوم فلکی را به خدمت علم فقه درآورده اند. علامه فضل الله درباره اعتماد به علم فلک نظر قطعی داده است. وی تولد تکوینی ماه از نظر فلکی ها را برای اثبات اول ماه کافی و حجت شرعی می داند. ولی دسته ای دیگر از فقها در مقابل، بر این باورند که بر محاسبات نجومی نمی توان اعتماد کرد و در اثبات اول ماه تنها رؤیت بصری معتبر است. ما امیدواریم که این اختلاف نظر در آینده حل شود و از اساس موضوعی برای نزاع باقی نماند.

سخنرانی سیدعلی فضل الله، فرزند علامه فضل الله

برگزاری این کنگره ناشی از دیدگاه خاص علامه است. ایشان جلودار طرح مسئله و اصدار فتوا مبنی بر امکان اخذ به محاسبات فلکی است. آثار و نتایج این بحث منحصر به مسائل عبادی و فردی نیست، بلکه در زمینه های اجتماعی نیز آثار مهمی دارد. ما معتقدیم که دستیابی به یک راه حل فقهی قابل قبول برای همه درباره آغاز ماه های قمری می تواند در ایجاد استقرار و ثبات بسیار مؤثر باشد، در مقابل اختلافات موجود اثر منفی بر اجتماع مسلمین و برگزاری مراسم عبادی آنها دارد، بلکه حتی در داخل یک خانه نیز سبب اختلاف شده است و چه بسا این وضع نسل جدید را به تزلزل بکشاند و تصور کند که دین قادر بر حل این مشکلات نیست.

در جایی که کفار با هم متحد هستند، چگونه اهل یک دین نتوانند وحدت پیدا کنند. اگر بخواهیم قدمی به پیش برداریم، باید اهل تخصص را بر سر یک میز جمع کنیم و تلاش جمعی برای فهم نصوص را آغاز کنیم. تلاش جمعی اهل تخصص می تواند فقها را به نتیجه نهایی مطمئن سازد.

ما چند برنامه پیش روی کنفرانس می گذاریم:

1. علامه فضل الله اعتماد بر محاسبات فلکی را کافی می داند و این کنگره باید به بحث درباره آن بنشیند.
2. ایشان معتقد است که انسان در وجود واقعی زمان بلکه در تحدید زمان نقشی ندارد، بلکه باید آن را کشف کند؛ چون زمان قبل از وجود انسان بوده است.

3. ادله ای که اعتماد بر رؤیت را مطرح می کند، در واقع راهی را برای از میان بردن شک معرفی می کند و رؤیت را به عنوان طریق قطعی در مقابل طرق ظنی دیگر قرار می دهد و رؤیت حسی تنها از این باب معرفی شده که در زمان صدور روایات، تنها راه قطع آور بوده است. سیاق ادله نشان می دهد که اعتبار رؤیت امری تعبدی نیست، بلکه وسیله ای برای رسیدن به اطمینان است.

4. پیشرفت های علمی هم اکنون به حدی رسیده است که نشان می دهد محاسبات فلکی بسیار دقیق است و این محاسبات چه درباره ولادت هلال یا امکان پذیر بودن رؤیت هلال، کاملاً قابل اعتماد است و هیچ ربطی به مسئله تنجیم و پیش گویی براساس اوضاع ستارگان ندارد.

براساس این نکات می توانیم مدعای خود را در قالب منطقی و متشکل از صغرا و کبرا چنین بیان کنیم:

محاسبات نجومی درباره تولد هلال قطع آور است (صغرا)؛

هر طریق قطعی برای اثبات هلال، چه رؤیت حسی باشد یا غیر آن، شرعاً معتبر است و می توانیم بدان اخذ کنیم (کبرا)؛
پس محاسبات نجومی برای تولد هلال شرعاً معتبر است (نتیجه).

اما مسئله اختلاف یا اتحاد افق، بحث دیگری است و در جای خود باید بدان پرداخت.

سخنرانی شیخ دکتر مالک الشغار؛ مفتی طرابلس و شمال

مفتی طرابلس که با عمامه بزرگ و کراوات پشت تریبون ظاهر شده بود، نخست از علامه فضل الله به خاطر توجه به یکی از محورهای وحدت مسلمین در این کنگره تشکر کرد، و نیز از مؤسسه فکر اسلامی به خاطر اهتمامی که به تجدید فکر عربی دارد و در این راه جلسات بسیار برگزار کرده و راهی طولانی رفته است و اصول فکر عربی را به عنوان یکی از مقومات فکر عربی و اسلامی بررسی کرده است.

اما نکاتی که اشاره داشتند:

ما نیاز به تجدید فکر اسلامی و عربی داریم، نه فقط برای رفع ابهامات و زدودن غبار شبهات، بلکه برای پیشرفت علمی و توجه به مسائل مستحدثه. اگر اسلام را خاتم شرایع بدانیم، معنایش آن است که اسلام رسالتی و آیینی دارد که همه مسائل جدید زندگی را مدنظر دارد.

موضوع این کنگره (جدید المنطوق و قدیم المنطق) است؛ جدید المنطوق بودن آن به خاطر دستاوردهای علم هیئت است، و قدیم المنطق بودن آن به نزاع مدرسه اهل رأی و حدیث بازمی گردد.

مرجع هر موضوع شرعی، نصوص کتاب و سنت است؛ چون مطلوب ما حکم شرعی است نه حکم عقلی یا علمی یا وضعی. بی شک در اینجا اصول و قواعدی برای تعامل با نصوص شرعی وجود دارد. می دانیم که روزه را با یقین باید شروع کرد و نیز قبله را به یقین دانست. نص و اجتهاد هر دو شرط وقوف بر صحت روزه و نماز است، و اصول استنباط، اعمال ادله تفصیلیه از خلال ادله اجمالیه است.

برای اینکه درباره هلال به نظری روشن برسیم، مقدمات زیر را باید بپذیریم:

1. اثبات وجود هلال امری تعبدی نیست، بلکه سبب برای اثبات اول ماه است. سبب یعنی چیزی که (یلزم من وجوده الوجود و من عدمه العدم)، پس رؤیت هلال، حکمی تکلیفی ندارد، بلکه موضوع برای حکم تکلیفی است، ولذا رؤیت هلال خودش عبادت نیست، بلکه مقدمه واجب است. از این رو درباره رؤیت هلال نباید مقید به خصوص نصوص شد. چنانکه قرآن می گوید: یسئلونک عن الاهله قل هی مواقیت للناس و الحج. نتیجه این می شود که (لا مانع من استعمال کل الوسائل المتاحة لاثبات الشهر).
2. از سوی دیگر می دانیم که قمر، منازل مقدر و قابل محاسبه دارد: هو الذی جعل الشمس ضیا و القمر نوراً و قدره منازل لتعلموا عدد السنین والحساب (یونس/5); وجعلنا اللیل والنهار آیتین فمحونا آیه اللیل وجعلنا آیه النهار مبصره (اسراء/12).

حساب فلکی به قدری دقیق است که یک هزارم ثانیه در ولادت قمر را بیان می کند، پس یقینی است.
3. نص ابایی از این ندارد که بر حساب فلکی اعتماد شود؛ چون رؤیت وسیله است و مانعی برای استفاده از وسایل وجود ندارد، بلکه می توان گفت رؤیت در لغت شامل رؤیت بصری و رؤیت علمی هردو است، بنابراین رؤیت علمی براساس محاسبات نجومی، خارج از حدود دلالت نص نیست.

اما روایت (انا امه امیه لا نکتب ولا نحسب)، لسانش اخبار از حال مسلمین است و چون اهل حساب در آن زمان افرادی اندک بودند و ارجاع مردم به آنها با مشقت بود، از این رو برای رفع مشقت محاسبه نفی شده است.

4. مسئله هلال دو طرف دارد؛ یک طرف علمی و مادی، و طرف دیگر عبادی و شرعی است. اگر این دو طرف در جایی جمع شوند، جانب عبادی غلبه پیدا می کند؛ چون پیامبر(ص) مبعوث شده است برای بیان شرعیات، و سبب اقوی از شرط است، و دیدن هلال، عمل علمی محض است و اگر دیدن آن، شرط عبادتی باشد و احکام تکلیفی بر آن مترتب باشد، نمی توان فرض کرد که مجرد دیدن که کار علمی محض است مراد شارع باشد.

5. نصوص شرعی، صوم و افطار را معلق بر رؤیت کرده است؛ برخی از این نصوص به صیغه حصر است، مثل (لاتصوموا حتی تروا الهلال فان غمّ علیکم فاکملوا العده)، از این رو باید گفت هرچند محاسبات فلکی دقیق است، ولی نمی توان رؤیت را بالکل کنار گذاشت و محاسبه را بدل آن قرار داد.

6. کسانی که رؤیت بصری را معتبر می دانند و محاسبه را به تنهایی کافی نمی دانند، می گویند نص داریم که (نهی النبی عن الصوم یوم الشک)، در حالی که آن روز نه ابر بوده و نه باران. در صحیح بخاری آمده است که (من صام یوم الشک فقد عصی ابالقاسم صلی الله علیه وآله سلم).¹ حال اگر ولادت قمر با محاسبه معلوم شود و بر آن اعتماد کنیم، برخلاف نص عمل شده است و جای این سؤال باقی است که چگونه پیامبر(ص) ما را به رؤیت متعبد کرده است نه تولد تکوینی ماه.

7. اگر هوا صاف باشد و هیچ کس هلال ماه را نبیند، ولی دانشمند فلکی گوید ماه متولد شده است یا بگوید هلال موجود است، از دیدگاه فقه در اینجا اجماع و نص بر عدم وجوب صوم است و قاعده اصولی نیز گوید تأخیر بیان از وقت حاجت قبیح است.

8. اگر رؤیت موجود باشد و شهود شهادت دهند، ولی شک و خللی در شهادت باشد، اعتماد بر شهادت محل بحث و گفت و گو است.

اینها اهم نکات نزد هر دو طرف مناقشه بود و قبل از بررسی صحت و سقم ادله آنها، باید محل نزاع را تحریر کرد.
محل مورد توافق هر دو گروه: هر دو گروه توافق دارند که استعمال همه وسایل برای اثبات هلال جایز است، و نیز توافق دارند که اگر محاسبات نجومی موافق رؤیت باشد، قابل قبول است، ولی اگر مخالف باشد، اکتفا به محاسبات محل خلاف است.
محل نزاع هر دو گروه: آیا تکلیف شرعی منوط به ظهور هلال است یا نه؟ کسانی که محاسبات را کافی نمی دانند، می گویند

ولادت تکوینی ماه ملاک نیست، بلکه ظهور هلال ملاک است، پس اگر ماه تولد طبیعی داشته باشد ولی رؤیت پذیر نباشد، اول ماه ثابت نمی شود؛ چون سیره مسلمین در طول تاریخ بر این بوده است که در این گونه موارد که هلال ظهور ندارد، خود را مکلف به روزه نمی دانستند. پیامبر خدا(ص) در حجةالوداع فرمودند: (الزمان قد استدار فهو اليوم كهيهة يوم خلق الله السموات والارض السنة اثنا عشر شهرا منها اربعة حرم... 2).

و کسانی که محاسبات نجومی را کافی می دانند، می گویند از این راه وحدت صفوف مسلمین را می توان ایجاد کرد. ولی البته با رأی امام مسلمین یا سلطان قاهر می توان به وحدت صفوف رسید. ترمذی از ابوهریره آورده است که (ان النبی(ص) قال الصوم يوم تصومون والفطر يوم تفطرون والاضحی يوم یضحون وفسر بعض اهل العلم انما معنی ذلك ان الصوم والفطر مع الجماعة وعظم الناس).

از این رو فقها گفته اند که خطا در تشخیص روز عرفه برای وقوف بخشیده شده است، در صورتی که این خطا برای همه رخ داده باشد، و همینطور اشتباه در ایام صوم و تقدیم و تأخیر آن به یک روز بخشیده شده است.

سخنرانی نائب مفتی عمان، دکتر کهلال بن نبهان خرسی

سخنران، نخست از اقدام علامه فضل الله در برپایی این کنگره تشکر کرد و از عدم حضور دکتر احمد بن حمد خلیلی، مفتی عام عمان عذرخواهی کرد.

در عین حال عجیب بود که در جلسه افتتاحیه که ویتترین کنگره است، با نبود مفتی عام به نماینده جوان او مجال سخنرانی داده بودند.

ایشان به لغت فصیح و بلیغ، بدون نگاه به ورقه و بدون لکننت سخن می گفت و به نکاتی اشاره داشت:

موضوع هلال ذوشجون است و باید ببینیم که از این بحث چه می خواهیم؟ ما می خواهیم بحران موجود را برطرف و راهی برای اتحاد میان مسلمین پیدا کنیم. از آنجا که در اثبات آغاز ماه های قمری غایت نهایی اطاعت خداست، آرا و پیشنهادات مختلف اگر براساس ادله صحیح باشد، هر یک به جای خود مغتنم و حامل ارزش دینی است و همین را باید دلیلی بر سعه شریعت دانست و بر اخوت دینی تأکید کرد. خداوند می فرماید: وجعلنا الليل والنهار آیتین فمحونا آیه اللیل وجعلنا آیه النهار مبصرة لتبتغوا فضلاً من ربکم وتعلموا عدد السنین والحساب وکل شی فصلناه تفصیلاً (اسراء/17).

در این آیه شمس را آیت بصیرت و سبب عدم اختلاف شمرده است و سپس ابتغاء فضل الهی را آورده و آنگاه از علم به عدد سنین سخن گفته است و در جای دیگر فرموده است: یسئلونک عن الالهة قل هی مواقیت للناس والحج.

آیات طبیعی الهی مثل شمس و قمر فقط برای عبادات نیست، بلکه برای دیگر شئون زندگی نیز هست، هم مصالح دنیوی دارند و هم مصالح اخروی. در اینجا باید دید مقاصد شریعت از جعل برخی عبادات که منوط به حرکت شمس و قمر است چه می باشد؟ مسلماً در جعل این عبادات و اناطه آنها به حرکت شمس و قمر، حرج و ضیق نباید باشد. در تشریح الهی یسر و سهولت رعایت شده و شریعت همه آنچه را مجتهدین می فهمند و ابراز می دارند، استیعاب می کند.

پس اختلاف مسلمین در نظریات و منهج آنها در طریق جست وجو و اثبات هلال ماه های قمری، نباید سبب اختلاف و تباعد آنها از هم شود، بلکه باید دلیل بر سعه شریعت شمرده شود. و نباید غافل شویم که از سنن تشریحی، مراعات تدرج در بیان احکام است و دستاوردهای علمی در اثبات اول ماه، از جمله اسباب حقیقی برای اثبات هلال است که می تواند مورد تأیید شریعت باشد. این اسباب جدید می تواند راه یقینی برای ادای عبادات را نشان دهد، ولی از سوی دیگر منهج دین رفیق است، ولذا پیامبر اکرم (ص)

فرمود: (اذا امرتکم بشیء فأتوا منه ما استطعتم).

اگر بخواهیم به محاسبات نجومی در تولد تکوینی ماه اعتماد کنیم، پس مسئله قبول شهادت را که در روایات آمده است چه کنیم؟ ما نباید از فضایی که بر ضد ما ایجاد شده و اختلاف در اعیاد اسلامی را سبب خرده گیری بر ما قرار داده اند متأثر شویم و تصور کنیم که حتماً همه مسلمین جهان باید یک روز معینی را عید قرار دهند. چه اشکالی دارد که عید ما اعیاد باشد و مسلمین در نقاط مختلف زمین چند روز را عید قرار دهند، آری قوت و وحدت را باید حفظ کرد، ولی اختلاف در روز عید ضرری به این قوت و وحدت نباید بزند.

منهج ما در عمان آن است که اگر شهادت بر هلال در حالی باشد که رؤیت ممکن نیست، مثلاً شهادت قبل از مغیب شمس باشد، در اینجا شهادت رد می شود و به محاسبات فلکی نیز نمی توان اکتفا کرد.

نشست دوم، عصر پنجشنبه

جلسه عصر در ساعت دوازده و نیم تا دو و نیم با عنوان (تحديد بدايات الشهور بين الحقيقة العلمية والتنبؤ الفلكي) آغاز شد. رئیس جلسه علامه سیدمحمدحسن امین بود که چندان دخالتی در مباحث نداشت و در تنوع بخشیدن به جلسه و اداره فعال و علمی آن نقش مؤثری نداشت. این ضعف در غالب رؤسای جلسات وجود داشت.

سخنرانی دکتر یوسف مروء

نخست آقای دکتر یوسف مروء مطالب خود را با عنوان (دور الارصاد الفلكية والقضايا الهندسية في اثبات رؤية الهلال) آغاز و با لحنی آرام و کسل کننده ادامه داد.

از ایشان کتابچه ای در معرفی (مرکز الصباح للابحاث العلمية) در جلسه توزیع شد. عناوین شغلی ایشان چنین آمده بود: (مهندس فیزیا کیمیائی، خبیر فی قیاس الاشعاعات النووية، رئیس المختبر الذری و البیوکیمیائی فی الجزائر (سابقاً)، مؤسس الجمعية اللبنانية للابحاث العلمية).

مطالبی که دکتر مروء ارائه دادند بیشتر اطلاعات علمی درباره وضعیت مطالعات فلکی در قدیم و جدید بود. از ارتباط علم اخترشناسی جدید با علم فیزیک و شیمی نیز سخن داشتند. آثاری که ارائه دادند نشان می داد که بیش از 1200 دانشگاه در حال حاضر مطالعات فلکی دارند و 120 رصدخانه مهم و 1500 فلکی مشغول به کار هستند و کتاب هایی در هر سال درباره وضعیت ستارگان منتشر می کنند.

سخنرانی مهندس محمد عوده

سپس آقای مهندس محمد عوده سخنان خود را با عنوان (الهلال بين الرؤية والحسابات الفلكية) و با استفاده از پرده تصویری متصل به رایانه شروع کردند.

توضیحاتی درباره برخی اصطلاحات، مثل درجه و سمت الرأس داشتند، حالت کسوف و خسوف را توضیح دادند و نیز اضافه کردند که اصطلاح تولد قمر از نظر اهل نجوم یعنی نفس حالت اقتران و محاق، نه حالت ظهور بعد از خروج از تحت الشعاع، چنانکه بیشتر ما تصور داریم. و نیز فرمودند: بعضی خیال می کنند محاسبات نجومی، رؤیت را کنار می گذارد، در حالی که به نظر ما هرکدام به جای خود کارایی دارد و محاسبات می تواند در خدمت رؤیت باشد.

سپس توضیحاتی درباره تحری وقت رؤیت هلال دادند و اینکه هلالی را باید جست و جو کرد که خصوصیات معینی را داشته باشد،

از جمله آنکه:

1. هلال بعد از غروب خورشید باشد؛

2. در مکان غروب و نزدیک آن باشد.

و دو چیز که رؤیت بدون آنها محال است:

1. ان یكون القمر قد وصل مرحلة المحاق قبل غروب الشمس؛

2. ان یغرب القمر بعد غروب الشمس.

اما این دو شرط به تنهایی برای رؤیت کافی نیست. سپس از تأثیر غلاف جوی سخن گفتند و بعد از آن از معیارهای نجومی برای رؤیت؛ مثلاً اگر فاصله قمر از شمس کمتر از 7 درجه باشد، قابل رؤیت نیست. بابلیون می گفتند رؤیت هنگامی ممکن است که وقت غروب خورشید 24 ساعت از عمر ماه گذشته باشد و 48 دقیقه به بعد از غروب خورشید، ماه غروب کند و امروز منجمین این معیار را تأیید می کنند.

کوچک ترین هلال 15 ساعت و 33 دقیقه است که با چشم مجرد دیده می شود.

عنوان بحث بعدی دکتر عوده (طرق تحديد بدايات الاشهر الهجرية في الدول الاسلامية) بود.

گفتند در لیبی اقتران قبل از غروب را معیار دخول شهر در روز بعد حساب می کنند و رؤیت را از اساس الغا کرده اند. در کویت اگر اقتران قبل از نصف شب باشد، آن را معیار برای دخول شهر در روز بعدی می دانند. در سعودی مبنا این است که اگر ماه بعد از شمس غروب کند و اقتران قبل از غروب شمس باشد، فردا روز اول ماه است. در عمان، مغرب، اردن و الجزائر اگر فلکی گوید هلال قابلیت رؤیت دارد و براساس حسابات فلکی رؤیت امکان پذیر باشد، همین در اثبات اول ماه کافی است. و علامه فضل الله می فرمایند هر بلدی با لبنان در شب مشترک باشد، همین برای اشتراک در اول ماه کافی است.

سخنرانی دکتر شایسته مهانی

سخنران بعدی، خانم دکتر شایسته مهانی از ایرانیان مقیم امریکا بود که همراه همسرش به لبنان سفر کرده بود، وی مطالب خود را به لغت انگلیسی بیان می داشت و یک مترجم حاضر در مجلس به عربی بازگو می کرد و وضع جلسه و نامناسب بودن ترتیب میز و صندلی ها و محل پرده تصویر و نورپردازی جلسه و صدای دستگاه تهویه و هوای خروجی آن که پرده را دائم تکان می داد و جای استقرار هیئت رئیسه که پشت به پرده قرار گرفته بودند، همه و همه درکنار مشکل ترجمه، تداوم مجلس را خیلی خسته کننده کرده بود. رئیس جلسه بیش از نیم ساعت وقت برای برنامه خانم مهانی را صلاح ندانست و ایشان نیز سخت معترض شد که ما از امریکا برای شرکت در این برنامه آمده بودیم و با ما توافق بر سر یک ساعت سخنرانی شده بود، سرانجام قرار شد در پایان روز جمعه، نیم ساعت دیگر به ایشان فرصت داده شود تا اصل مطلب خود را پس از این همه مقدمات بتواند بگوید.

آنچه در این فرصت بیان کردند، بحث های علمی درباره نحوه حرکت شمس و قمر و حالت های مختلف هلال و وضعیت کسوف و خسوف همراه با تطبیق برخی آیات قرآن درباره شمس و قمر بود، مثل آیه والشمس وضحاها والقمر اذا تلاها، و نیز جدولی درباره آغاز ماه های قمری از نظر علم اخترشناسی و حالت های اقتران نشان دادند. در مجموع بحث علمی ایشان و تصاویری که انتخاب کرده بودند، نسبت به مباحث دیگر اخترشناسان حاضر در مجلس تفوق داشت، ولی ضیق وقت و مشکل ترجمه، هنر انتخاب مباحث را پوشاند.

از میان حضار برخی اظهار داشتند که با توجه به آنکه ایشان تنها خانم شرکت کننده در بحث و صاحب مقاله است، طبعاً باید وقت بیشتری به ایشان داده شود.

طرح مسائل از سوی حضار

سپس نوبت به طرح اشکالات و نظرات مستمعین و حضار رسید و مطالب زیر از سوی افراد مختلف مطرح شد:

1. باید تقویم خاصی برای کشورهای اسلامی تهیه کرد. تقویم های ما نه با قرآن سازگار است و نه با دستاوردهای جدید علمی.
2. دعوت به علم و اتکا به دستاوردهای علمی، با تعالیم دینی ما که رؤیت حسی را ملاک قرار داده، ناسازگار است.
3. علم مطلوب است و علم با دین متطابق است، ولی نصوص شرعی در مسئله رؤیت هلال ما را به رؤیت حسی متعبد کرده است؛ مثلاً در روایات آمده است که اگر هوا ابری بود باید سی روز را کامل کنید، پس فقیه بر مبنای چه ضابطه ای به غیررؤیت استناد کند؟ یا اگر شاهد صادق پیدا شد، چگونه شهادت او را قبول نکنیم؟ پس رؤیت حسی را بالکل نمی توان الغا کرد و از طرف دیگر محاسبات علمی را نیز نمی توان نادیده گرفت. راه جمع آن است که بگوییم براساس مطالعات علمی و محاسبات، اگر هلال رؤیت پذیر بود و آنگاه رؤیت حسی هم صورت گرفت، اول ماه ثابت می شود، به این طریق هم به محاسبات علمی و هم به نصوص عمل شده است.
4. مهندس عوده از عدم امکان رؤیت هلال در روز سخن گفتند، در حالی که براساس روایات ما اگر رؤیت قبل از زوال باشد، مربوط به شب قبل و اگر رؤیت بعد از زوال باشد مربوط به شب آینده است.
5. می توان راه جمعی میان رؤیت و حساب پیدا کرد. حساب علمی می گوید که ماه از محاق خارج شده و بعد از سیزده ساعت ظاهر می شود، ما می توانیم با استفاده از تجهیزات ماهواره ای، برای اهل زمین رؤیت علمی را ثابت کنیم.
6. مطالبی که آقایان درباره دستاوردهای علم فلک و مطالعات نجومی گفتند بسیار ابتدایی بود و وارد مسائل مهم و اساسی نشدند، مثل این بحث که فلکی ها چه ضوابطی برای امکان رؤیت هلال قرار داده اند.
- کشف خروج ماه از حالت محاق، مسئله ای حل شده است، مسئله ما این است که دلیل شرعی بر موضوعیت رؤیت حسی داریم و نمی توانیم از آن بگذریم.
7. فقها گویند اگر هلال به نظر فلکی ها قابل رؤیت باشد، برای دخول ماه جدید همین کافی است، ولی اگر خود دانشمندان فلکی در قابلیت رؤیت هلال اختلاف پیدا کردند چه باید کرد؟
8. درباره نحوه توافق تقویم شمسی و قمری باید فکری کرد.
9. ماه به لحاظ اخترشناسی و فلکی همان ماه طبیعی است که بیست و نه روز و چند ساعت است، اما برای درست کردن تقویم باید اعتباری در کار باشد.
10. در صورتی که اقتران قبل از غروب شمس باشد، ما بر حساب فلکی اعتماد می کنیم.
11. مطالبی که درباره بابلیون گفته شد، نشان می دهد که آنها مدار فلکی را می دانستند.

نشست سوم، عصر پنجشنبه

سخنرانی دکتر خالد زعاق

رئیس جلسه، آقای دکتر حسن شریف و سخنران اول، آقای دکتر خالد زعاق بودند و عنوان بحث ایشان (العالم الاسلامی ومعالجة مشکلة الاهلة) بود.

عناوین بخش های اصلی سخنرانی ایشان چنین بود:

مستوی دوران القمر حول الارض، مراحل تطور ظهور القمر ونموه، بعض المفاهيم حلول الهلال (عمر الهلال، مكث الهلال، اضاءة الهلال)، المعايير لامكانية الرؤية، نصائح عامة للاستهلال (تحديد موقع القمر و...)، حالات قبول ورفض الشهادة. سرانجام فرمودند هیچ دانشمند فلکی رؤیت حسی را رد نمی کند، لکن می گوید در زمان رؤیت باید حساب فلکی را ملاحظه کرد که امکان رؤیت را نفی نمی کند. در برخی اوقات دیده می شود که قاضی شهادت شهود را در حالتی که رؤیت محال است، قبول می کند.

سخنرانی دکتر مسلم شلتوت

سخنران دوم، دکتر مسلم شلتوت و عنوان بحث ایشان (امکانیة اثبات اوائل الشهور الهجرية بالحساب الفلكي والعوامل الفلكية والمناخية والبيئية التي تؤثر على رؤية الهلال) بود.

نکات مهم بحث ایشان چنین بود:

اگر به باقی علوم مطمئن هستیم، چرا به علم فلک مطمئن نباشیم؟ برخی از غربی ها ابوریحان بیرونی را از انیشتن نیز بالاتر می دانند و ابوریحان دو شرط برای صحت رؤیت قرار داده است. حساب فلکی از نظر من به طور مطلق قابل اطمینان است و اختلافی در آن نیست. اختلاف ما مربوط به مفهوم (بدایة الشهر) است. لیبی مبنای خطایی را در آغاز ماه های قمری اتخاذ کرده است. در لیبی ماه قمری از اقتران تا اقتران است و این با روح شریعت ناسازگار است، باید ماه قمری را از هلال تا هلال حساب کرد. در مصر از سی سال پیش تاکنون حساب فلکی را مورد توجه قرار می دهند تا رؤیت صحیح را معلوم کنند، یعنی حساب برای ابطال ادعای رؤیت در موارد استحاله رؤیت است، نه برای اثبات آغاز ماه. در سعودی و هند و بنگلادش، رؤیت با چشم مسلح را قبول دارند. قطر، یمن و اردن نیز تابع سعودی هستند. تونس گوید اگر به حساب فلکی، هلال ماه بعد از غروب شمس به فاصله زمانی معینی دیده شود، فردا اول ماه است. به نظر ما بهترین روش آن است که بگوییم رؤیت موضوعیت دارد و باید ملاک باشد، ولی رؤیت اعم از رؤیت بصری و عقلی است. اگر این روش را قبول نکنیم، لاقلاً باید روش مصر را پیش بگیریم یا براساس قرار استانبول عمل کنیم تا تقویم یکسان در کشورهای اسلامی درست شود. در حجاز 13٪ از موارد اعلام اول ماه صحیح، و 78٪ تاکنون خطا بوده است. تقی الدین سبکی نیز حساب فلکی را مورد اعتماد می دانست، اما باید توجه داشت که هلال در همه کره زمین به طور یکسان ثابت نمی شود. برخی مانند آقای حسن ترابی در سودان می گویند رؤیت ظنی است و حساب قطعی. پس قطعی را بر ظنی باید مقدم داشت.

سخنرانی دکتر احمد شعلان

سخنران بعدی، آقای دکتر احمد شعلان استاد رشته اخترشناسی در دانشگاه و از دست اندرکاران تنظیم تقویم اسلامی یکسان بود. ایشان گفتند وقت مثل هوا برای همه است و باید تقویم اسلامی را به گونه ای تنظیم کرد که نه تنها مشکلی برای انجام عبادات نداشته باشیم، بلکه پایه تمدن اسلامی نیز باشد؛ چون تمدن بدون تقویم مناسب نمی شود. به هر صورت ما ملزم به تنظیم تقویم اسلامی برای انجام دستور خدا هستیم.

ماه قمری براساس تولد ماه است و چون تولد ماه می تواند در وسط روز یا نیم شب باشد، پس باید برای تعیین روز اول ماه راه حلی پیدا کرد.

ما اکنون داد و ستد علمی با دنیا داریم و ناچاریم یک تقویم اسلامی برای خود تهیه کنیم. همه فقها قبول دارند که اسلام برای همه مشکلات راه حل دارد. به نظر من همه باید اتفاق کنیم که در رؤیت هلال بصیرت ملاک است نه بصر. بصیرت یعنی تولد ماه بعد از خروج از محاق را لحاظ کنیم و روز بعد از حالت محاق را اول ماه قمری حساب کنیم. هرچند معمولاً در این روز رؤیت بصری امکان پذیر نیست. پس لحظه تولد ماه را به حساب فلکی بصیرت پیدا می کنیم و روز پس از آن را آغاز ماه قمری حساب می کنیم.

ما نیاز به تعیین خط گرینویچ اسلامی داریم. می توانیم بگوییم بعد از غروب خورشید از افق مکه اگر ولادت ماه در روز بود، آغاز ماه جدید قمری، اولین روز بعد از هنگام غروب است و بر این اساس می توان تقویم اسلامی را بنا گذاشت.

طرح مسائل از سوی حضار

در پایان جلسه دوم عصر از سوی حضار مطالب زیر مطرح شد:

1. دکتر شلتوت از قول برخی گفتند که رؤیت ظنی، و حساب قطعی است. سؤال این است که رؤیت برای شخص رائی هم ظنی است یا اخبار او برای دیگران ظنی است؟ چنانکه باید دید حساب برای غیرفلکی هم قطعی است یا محاسبات او فقط برای خودش قطعی است؟

2. درباره رؤیت هلال در روز چرا تفصیل ندهیم که رؤیت قبل از زوال ملحق به شب قبل و رؤیت بعد از زوال ملحق به شب بعد است؟

3. مشکل ما در تعیین اول ماه با فلکی ها نیست بلکه با فقههاست. فقها به روایت (صم للرؤية وافر للرؤية) تمسک می کنند، در حالی که سیاق این روایت که در صحیحین آمده است نشان می دهد که منظور آن است که براساس ظنی صوم را شروع نکنید بلکه طریق قطعی پیدا کنید.

4. امت ما امی است و رسول خدا(ص) بر حساب یهود اعتماد نمی کرد. آنها نسیء داشتند تا ماه قمری با سال شمسی متطابق شود.

5. اقتراح خط مکه خیلی خوب است، ولی باید واضح بیان شود.

* * *

روز اول کنگره بدین ترتیب به پایان رسید. شب هنگام فرصتی بود تا با برخی از روحانیون و فضلاء لبنان که به اتاق آمده بودند به صحبت بنشینیم. چند نکته در این صحبت ها بیشتر مورد توجه بود. اول، لزوم اهتمام به فقه مقاصدی در شیعه و توجه به ملاکات و اهداف و مقاصد شارع. دوم، دقت و صعوبت کار تشخیص معیارهای لازم برای کشف احکام ثابت از متغیر و اینکه تمام اجتهاد همینجاست.

سوم، درباره عوارض و لوازم برخی کتاب های شیعه که مشتمل بر مطایبات است مثل برخی کتاب های سیدنعمت الله جزائری. و چهارم، درباره برنامه های شبکه های ماهواره ای شیعی، مثل شبکه الانوار که در کویت است و گاه به قدری تند و برای جمعیت اهل سنت نفرت آور است که چه بسا دولت راضی به تداوم کار آنها باشد تا چهره شیعه را مخدوش کنند و مانع تقریب میان شیعه و سنی گردند.

قبل از صرف شام همراه آقایان مختاری و اشکوری و شیخ جعفر مهاجر از مؤسسه فرهنگی مجمع الإمام الصادق(ع) وابسته به آیت الله سیستانی که شنیدیم مشتمل بر کتابخانه بزرگ و مجهزی نیز هست، به مدت نیم ساعت دیدار کردیم. آقای خفاف نماینده

آیت الله سیستانی در آنجا را، که دوستان از تدبیر و درایت او تعریف می کردند، ملاقات کردیم. از اشکالات متعددی که در برنامه افتتاحیه کنگره پیدا شد سخن به میان آمد. آقای خفاف می گفت همان کلامی را که نماینده مفتی عمان ابراز کرد و گفت بیایید از عید خود اعیاد بسازیم و بگذاریم کشورهای اسلامی روزهای مختلف را عید داشته باشند، عین همین مطلب در کلام آیت الله سیستانی آمده است، و روز بعد برگه ای را که مشتمل بر استفتاء از ایشان بود برای ما فرستاد. در همین جلسه آقای خفاف از شیخ جعفر مهاجر برای شرکت در کنگره هبه الدین شهرستانی که اوائل فروردین 1389 شمسی در عراق و شهر کوفه برگزار می شود، دعوت کرد.

* * *

نشست چهارم، صبح جمعه

سخنرانی شیخ رضا مختاری

نشست چهارم کنگره در صبح روز جمعه ساعت نه و نیم آغاز شد. رئیس جلسه جناب شیخ جعفر مهاجر و سخنران اول جناب آقای شیخ رضا مختاری بود. بحث ایشان تحت عنوان (وجهتا نظر السنة والشیعة حول رؤیة هلال ذی الحجة فی مکة المکرمة) مطرح و در ضمن کار، مجموعه پنج جلدی رؤیت هلال مشتمل بر بیش از 4000 صفحه را نیز به خوبی معرفی کردند. برخی عناوین ریزتر بحث ایشان چنین بود:

مسئله عدم اعتماد بر حکم قاضی اهل سنت و عدم حجیت حکم او در اثبات هلال ذی حجة، مسئله اختلاف افق، ذکر موارد وقوع اختلاف در رؤیت هلال در مکه مطابق تسلسل تاریخی، کوشش های انجام شده و پیشنهاد های مطرح برای حل مسئله، اختلاف شیعه و سنی در آغاز ماه ذی حجة و عدم اعتماد شیعه به رأی اهل سنت، علامه بحر العلوم و سپس صاحب جواهر، نخستین فقهای شیعی که از صحت حج با رأی اهل سنت سخن گفتند، سابقه اختلاف شیعه با اهل سنت در هلال ذی حجة که از عصر صفوی به بعد بوده است، و سرانجام بیان امام خمینی در تحریر الوسیله که می فرماید حج شیعه در صورتی که مطابق حکم قاضی اهل سنت در تعیین اول ماه عمل کرده باشد و قطع به خلاف پیدا نکند، صحیح است، ولی بعد از پیروزی انقلاب رأی خود را تغییر داده و فرمودند: (یجب فی الوقوفین متابعة حکم قاضی اهل السنة ويقع الحج مجزئاً حتی مع القطع بالخلاف).

سخنرانی دکتر صالح العجیری

دومین سخنران، آقای دکتر صالح العجیری بود که در زمره اخترشناسان و دست اندرکاران تنظیم تقویم ها محسوب می شد. ایشان مسن ترین شرکت کننده در کنگره بود. وی با بیش از 90 سال سن، تجربه 70 سال کار اخترشناسی داشت. برخلاف ظاهر ساده و بی پیرایش عربی و سنتی اش، بسیار دقیق و علمی و روشن سخن می گفت و با رعایت مقتضای حال و مقام توانست بیشترین توجه را به خود جلب کند. ایشان نخست شجاعت علمی علامه فضل الله را ستودند و به نکاتی اشاره کردند که تلخیص آن را در ضمن محورهای ذیل بیان می کنیم:

1. محاسبات نجومی در مواردی که رؤیت را محال می شمارد، برای نفی شهادت شهود حجیت دارد.
2. علامه فضل الله که می فرماید هر نقطه جهان که با نقطه رؤیت هلال در شب مشترک باشد، در عید نیز مشترک است، سخنی دقیق و علمی ابراز داشته اند.
3. در لیبی مبنا این است که (الشهر یثبت فی اللیلة التالیة بعد الاقتران اذا حدث نهراً)، ولی جمهور مسلمین گویند (الهلال یثبت بالرؤیة العیانیة سواء بالمجردة او بالاجهزة).

4. در همه نسل ها و اهل دیانات سابقه، عید فطر و صوم منوط به قمر بوده است. قوم یهود ماه های قمری داشتند، ولی آنها را از طریق محاسبات می شناختند، و چون می خواستند ماه قمری در همان فصل شمسی که می خواهند واقع شود، نسیء پدید می آمد. عیدهای مسیحیان نیز براساس حرکت قمر بود. عید فصح در روز یکشنبه بعد از کمال قمر و بعد از 21 مارس است.

5. تمام کنگره هایی که مسلمانان تاکنون درباره هلال گرفته اند، بی نتیجه و شکست خورده بود. در سال 1900 میلادی نمایندگان هفت کشور اسلامی در کنگره استانبول ترکیه جمع شدند و در آنجا ما به این نتیجه رسیدیم که چهار شرط برای اثبات رؤیت هلال با چشم مجرد بگذاریم:

اول آنکه، هلال متولد شده باشد؛

دوم آنکه، برای قمر مکث بوده باشد، یعنی شمس قبل از قمر غروب کند (فاصله زمانی بین غروب این دو را در اصطلاح مکث گویند)؛

سوم آنکه، قمر از حیز شعاع خارج شده باشد و این ممکن نیست مگر آنکه زاویه قمر از افق کمتر از 5 درجه نباشد؛

چهارم آنکه، نور در جرم قمر ظاهر شود، و این در جایی است که زاویه شمس و قمر کمتر از 7 درجه نباشد.

ولی این کنگره نیز تصمیماتش فراموش شد و برخی گفتند این توافقات چون در یک کشور علمانی و سکولار بود پس اعتبار ندارد.

6. گاه محاسبات نجومی با تنجیم و پیش گوئی خلط می شود. در هواپیما که بودم یک نفر مرا معرفی کرد که ایشان منجم هستند، بعد یک نفر دیگر کف دستش را جلوی من گرفت که بگویم آینده او چگونه است.

7. از جمله مقاصد شریعت آن است که علم، مقدم بر ظن است. پیشتر می گفتند که فلکی ها با هم اختلاف دارند، در حالی که اینها در مباحث علمی فلکی اصلاً با هم اختلافی ندارند. اختلاف موجود درباره اول ماه قمری میان فلکی ها، در مبانی بحث است که مثلاً اول ماه با رؤیت بصری ثابت می شود یا با رؤیت بصیرتی هم ثابت می شود.

8. برخی می گویند چند میلیارد دلار بدهیم و یک تلسکوپ پیشرفته برای کشورهای اسلامی بخریم، ولی ما می گوئیم تنها شما چند دلار بدهید و یک برنامه کامپیوتری بخرید و آسمان را ببینید.

9. از جمله تجربیات من است که در سال 1957 در رؤیت هلال خطا رخ داد و همه مردم در آن سال برای مراسم عید فطر رفتند به جز من.

10. برای وجوب روزه ماه رمضان و اثبات آغاز شهر، ما قبول نداریم که هلال باید از طریق رؤیت حسی فقط ثابت شود و قبول نداریم که تعبد به رؤیت هلال باشد، بلکه رؤیت کنایه از آغاز شهر است؛ چون در آن زمان رؤیت بصری نزد عرب متداول بوده است. اما حدیث (إِنَّا أُمَّةٌ أَمِيَّةٌ لَا نَكْتُبُ وَلَا نَحْسِبُ) تعبد به رؤیت بصری را ثابت نمی کند؛ چون در سوی دیگر مقاصد شریعت می گوید امت را باید از امی بودن خارج کرد. وسایل الکترونیکی که الآن در جیب ماست، خیلی بهتر از رؤیت بصری کار می کند. ولذا ما در پاسخ فقهای که تعبد را قبول دارند می گوئیم پس چطور شما الآن برای تعیین زوال شمس، وسایل الکترونیکی را به کار می گیرید، در صورتی که قبلاً با شاخصی که عمود بر زمین بود زوال معلوم می شد، یا چگونه برای اذان از بلندگو استفاده می کنید، در صورتی که باید بالای دیوار مسجد بروید و به همان روش قدیم اذان را اعلان کنید، یا برای معرفت قبله چرا از اقمار صنایع و ماهواره های جدید استفاده می کنید.

پس برای اثبات غروب و طلوع اجرام سماوی نیز باید از وسایل الکترونیکی جدید استفاده کنید، و اگر گمان می کنید محاسبات اخترشناسی خطا دارد، تجربه کنید و بفرمایید خطای آن در کجاست؟

فقها باید حکم کنند که حساب فلکی قابل قبول است و می توان به آن عمل کرد. اگر شنیدن و دیدن جز به همین طریق طبیعی صدق نکند، پس باید گفت در بسیاری از امور اصلاً نه ما می بینیم و نه می شنویم.

سخنرانی دکتر محمد عصیری

سومین سخنران، دکتر محمد عصیری رئیس جمعیت اخترشناسان در سوریه بود که عنوان بحث ایشان (قراءة تاریخیة لتطور علم الفلك فی تحديد الشهور العربیة) بود. ایشان علم فلک را در ادوار بسیار قدیم و در دوره پیش از اسلام و در عهد اسلامی بررسی کردند و اشاره داشتند که علم فلک از بابلی ها گرفته شده و همان ها بودند که دائرة البروج را ساختند و وقت خسوف و کسوف را تعیین کردند، و اشاره ای به علم فلک نزد مصری ها و سومری ها داشتند.

برخی نکات مهم سخنرانی ایشان پس از بیان تاریخچه علم اخترشناسی چنین بود:

1. فن تنجیم اساساً ربطی به علم اخترشناسی ندارد.

2. حدود شش هزار منبع مخطوط عربی درباره علم فلک داریم که قبل از کینهاک وجود داشت، ولی آنها را پنهان کردند.

3. شهر قمری با رؤیت هلال اثبات می شود، یا با اثبات حالت اقتران از طریق محاسبات نجومی؟ این مسئله باید میان علم فقه و علم فلک حل شود.

4. هلال زهره گاه با هلال قمر اشتباه گرفته می شود.

5. برای رؤیت بصری هلال، شروط و معیارهایی وجود دارد (تفصیل این شروط و معیارها به شکلی کامل تر از بیان سخنرانان قبل آورده شد).

6. در برخی سال های گذشته، هلال و آغاز ماه قمری در کشورهای عربی تا حد چهار روز مورد اختلاف بود.

7. برخی می گویند چرا تقویم قمری واحد تهیه نمی کنید؟ ما می گوییم به دو علت امکان پذیر نیست: یکی به علت اختلاف

اصطلاح اخترشناسان در تعریف اول ماه، و دوم به علت اختلاف فقها در بیان معیارها و ضوابط شرعی برای اثبات اول ماه.

8. همه کشورهای عربی نمی توانند هلال واحد داشته باشند؛ چون زمین کروی است و طبعاً باید در روز عید میان کشورها اختلاف باشد.

9. ما فلکی ها نمی توانیم بگوییم چه روزی اول ماه هست و چه روزی نیست، ما باید ضوابط کلی را بگوییم و در مصداق دخالت

نکنیم. فقها باید بگویند که برای تعیین اول ماه چه اعتباری و قراری شرعاً وجود دارد و ما می توانیم پشتیبانی کنیم.

سخنرانی شیخ محمدرضا الهی

آخرین سخنران نشست چهارم کنگره، آقای الهی از ایران بود.

مطالب ایشان، هم ناظر به بحث های علمی درباره رؤیت هلال و اثبات اول ماه بود، و هم ناظر به بحث های فقهی. محورهای عمده بحث ایشان به ترتیب ذیل بود:

لزوم دقت در تشخیص وقت مقارنه، طریقت رؤیت هلال یا موضوعیت رؤیت، معنای تکون هلال و شرایط آن، بررسی سخن برخی فقها که می گویند چشم مسلح مانند چشم مجرد است، ادله اکتفا به چشم مسلح و ادله عدم اکتفایه آن، ادله خاص دال بر اکتفا به رؤیت هلال با چشم مسلح، رجوع به اصل عملی استصحاب در صورت بقاء شک در اثبات اول ماه جدید.

طرح مسائل از سوی حضار

در پایان نشست چهارم، سؤالات ذیل مطرح شد:

1. پیامبر اسلام(ص) در آن موقع فرمودند ما امت امی هستیم و اهل حساب نیستیم، ولی ما الآن اهل حساب هستیم و قرآن نیز می فرماید: الشمس والقمر بحسبان. آن موقع برای معاملات دست به دست هم می دادند، ولی الآن ما با ابزارهای جدید از راه دور معاملات را انجام می دهیم. پس معلوم می شود که روایت در مقام نفی محاسبه نیست.
2. محاسبات نجومی نزد یهود که برخی سخنرانان مطرح کردند، اصلاً ربطی به اثبات ماه های قمری نداشت.
3. فرمودند رؤیت ظنی است، در صورتی که شخص رائی در رؤیت خود شکی ندارد.

نشست پنجم، عصر جمعه

رئیس جلسه آقا شیخ احمد الزین، قاضی لبنانی و از روحانیون متنفذ اهل سنت بود که بسیار فهیم و در اداره جلسه بهتر از دیگران ظاهر شد. ایشان در ضمن سخنان مقدماتی خود اشاره داشتند که کشورهای اسلامی از پیشرفت های جدید در علم اخترشناسی برای تشخیص اول ماه استفاده نمی کنند، به جز کشور ایران که وسایل و امکانات مدرن را به کار گرفته است.

سخنرانی حجة الاسلام والمسلمین سیدعلی اشکوری

حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی اشکوری، سخنران اول بودند. وی نخست برخی آیات و روایات مربوط به رؤیت هلال را مطرح و سپس گفتند (شهر) واقع معینی دارد و ما از لابه لای نصوص می خواهیم منهای شریعت در اثبات شهر را کشف کنیم.

سپس به جهاتی که در کشف موضوعیت یا طریقت رؤیت هلال دخیل است، اشاره کردند:

1. مراد از رؤیت، (ابصار) است نه (بصیرت).
2. در مقام ثبوت هیچ مانعی وجود ندارد که رؤیت بصری دخیل در اثبات اول ماه باشد.
3. حتی اگر در مفهوم رؤیت توسعه دهیم، باز هم مقصود از رؤیت همان رؤیت حسی است.
4. به رغم ظهور (رؤیت) در رؤیت حسی، هیچ شکی نیست که رؤیت طریقت دارد و برای رسیدن به علم است.
5. روایات مربوطه در سه دسته قابل جاسازی است، روایات خالی از قرائن، و روایات محفوف به قرائن، و روایاتی که اصلاً لفظ رؤیت در آنها نیست.

6. چندین شاهد بر طریقت رؤیت می توان پیدا کرد:

اول: تعبیر (عدوا ثلاثین) در برخی روایات؛

دوم: وجوب قضا در جایی که پس از بیست و هشت روز از آغاز شهر رمضان، هلال شوال دیده شود و کشف خطا در تعیین اول ماه شود؛

سوم: وجوب قضا در جایی که کشف شود یوم الشک از ماه رمضان بوده است؛

چهارم: مقتضای بحثی که اصولیات تحت عنوان (اجزاء) دارند؛

پنجم: مقتضای روایاتی که درباره یوم الشک می گوید صوم باید به نیت شعبان باشد؛

ششم: مقتضای روایاتی که تأکید بر عدم اعتبار تظنی برای اثبات اول ماه دارد؛

هفتم: لزوم افطار برای کسی که به تنهایی هلال شوال را دیده است؛

هشتم: حکم تطوق ماه و کاشفیت آن از سبق حلول شهر.

سخنرانی شیخ جعفر مهاجر و شیخ خالد غفوری

سخنران دوم، شیخ جعفر مهاجر بود که سخنان او بیش از همه مورد اشکال قرار گرفت و خصوصاً علمای شیعه مناقشه زیادی با او داشتند. ایشان معتقد بود حساب، قوی تر از رؤیت است و باید فرهنگ استفاده از دستاوردهای دانشمندان فلکی را اصل بدانیم، و رؤیت را به عنوان وسیله ای برای اثبات اول ماه که بعداً پیدا شد و عَرَضی بود، به شمار آوریم.

ایشان به صراحت تمام می گفت که نزد مشهور امامیه (عدد) معتبر است نه رؤیت و مرادش نیز از (عدد)، محاسبه نجومی بود نه (اکمال ثلاثین یوماً من الشهر الماضي)، در حالی که مطلب دقیقاً به عکس است و مشهور امامیه به رؤیت تکیه دارد نه محاسبات، و مشهور امامیه از عدد، همان اکمال سی روز از ماه قبل را قصد می کنند، نه محاسبات فلکی را، به هر حال مطالب عجیبی به مشهور امامیه نسبت دادند که مورد انکار بود.

سخنران سوم، شیخ خالد غفوری بود که باز درباره طریقت یا موضوعیت بحث داشتند.

طرح مسائل از سوی حضار

سپس وقت به طرح اشکالات و مداخلات حاضرین داده شد و نکات ذیل مطرح گردید:

1. اعتماد بر محاسبات اخترشناسان مزید بر اختلاف است، در حالی که اعتماد بر شهود حسی خیلی بهتر و کمتر موجب اختلاف است. الان کشورهایی که بر محاسبات اخترشناسی اعتماد دارند خیلی با هم اختلاف دارند. گاه یک مبنای علمی را می خواهند بر دیگران تحمیل کنند که این قابل قبول نیست.

2. درباره تعبیر قرآن کل یجری الی اجل مسمی یا تعبیر فقدره تقدیرا و یا جعل الله لكل شی قدره و یا کل شیء عنده بمقدار و یا خلقناه بقدر، علمای فیزیک هسته ای از جمله بنده گویند چه کسی مقدار این (اجل مسمی) را باید معین کند؟ خداوند یا ما؟ آیا رؤیت حسی، این (اجل) را می تواند عوض کند؟ آیا انسان می تواند به انتهای این (اجل) حکم کند؟ اخترشناسان از 350 سال پیش تاکنون گویند قمر دارای (اجل مسمی) است و این اجل همان مجموع ثانیه های یک ماه کامل است که کم و زیاد نمی شود و همه شهرها در این (اجل) مساوی هستند.

3. در حکم به اول ماه الان تدابیر سیاسی مقدم بر مقررات شرعی یا علمی شده است.

4. شیخ جعفر مهاجر گفتند که بر رؤیت حسی نمی توان اعتماد کرد، در حالی که احادیث درباره رؤیت حسی از سوی پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) بسیار زیاد است. اصلاً مناقشه شیخ مفید با شیخ صدوق به خاطر چه بوده است؟ آیا جز بر سر این بوده که می فرموده است برخی روایات مورد اعتماد او ضعیف السند است و از غلات صادر شده است.

5. در پاسخ آقای شیخ جعفر مهاجر باید گفت روایات رؤیت بسیار زیاد است، و در پاسخ اشکال اول باید بگویم که فلکی ها می توانند اشکالات فقها را کم کنند، نباید تصور کرد که مطالب آنها همیشه مزید بر اختلاف خواهد بود.

6. نه فقیه می تواند دانشمند فلکی را ملزم کند و نه عکس آن صادق است و درباره وحدت یا اختلاف افق نیز نمی توان مبنای واحد را به همه فقها تحمیل کرد.

7. در پاسخ اشکال دوم باید گفت که تعبیر قرآن به (اذا جاء اجلهم) را چه می گویند؟ آیا با حسابات فلکی می توان عمر را تعیین کرد؟ در مورد قمر روایات می گویند رؤیت ملاک است و رؤیت ظهور در رؤیت حسی دارد.

نشست ششم، عصر جمعه

سخنرانی و جمع بندی شیخ حسین المصطفی

نشست ششم کنگره در نوبت دوم از عصر جمعه به ریاست شیخ حسین المصطفی برگزار شد. در ابتدا رئیس جلسه جمع بندی مفصل و مرتبی از همه مطالب گذشته ارائه داد که تلخیص آن را می آوریم. این جمع بندی بیشتر به ارائه دیدگاه های گوینده مربوط می شد تا انعکاس دیدگاه های دیگران. تلخیص بحث چنین بود:

برخی تکالیف الهی منوط به شناخت ماه های قمری است، مثل وجوب روزه و افطار و حج، و نیز احکام مربوط به عده نگه داشتن زنان، و رسیدن به سن بلوغ برای بچه ها، و رسیدن سال در ادای خمس و زکات.

با گذشت زمان به تدریج شکل هلال ماه در فرهنگ عمومی نمادی برای اسلام، در مقابل شکل صلیب شده است. چنانکه در زیورآلات مسلمانان و سکه های آنها و دیگر تزئینات، این رمز آشکار است. چنانکه هلال احمر در مقابل صلیب سرخ، شعار شناخته شده دولت های اسلامی شده است. اثبات ماه قمری به سبب رؤیت هلال محل نزاع است و دو قول در اینجا وجود دارد: اول آنکه رؤیت بصری مباشر، شرط موضوعی در ثبوت ماه است. پس ماه بدون رؤیت اثبات نمی شود، هرچند این رؤیت به واسطه آلات و اسباب رصدی باشد.

دوم آنکه رؤیت بصری تنها شرط ثبوت هلال نیست، بلکه رؤیت، طریقت برای اثبات اول ماه دارد و می توان گفت که علما بر نفی موضوعیت رؤیت هلال برای وجوب صوم اتفاق دارند. در اینجا مفاهیم مهمی است که باید مورد توجه باشد:

1. یکی از اسباب اختلاف میان فقهای مذاهب بلکه فقهای مختلف در داخل مذهب واحد این است که شهادت شهود برای برخی قانع کننده و برای برخی غیرقانع کننده است و نتیجه اش این می شود که در جایی که امور عبادی منوط به هلال است مثل صوم و حج، به جای آنکه سبب توحید صفوف و مزید بر انسجام و عظمت جماعت مسلمین گردد، سبب اختلاف و توهین برخی به برخی دیگر شده است.

2. هدف از بحث فقهی در اینجا اثبات هلال از طریق رؤیت بصری است؛ زیرا ماه قمری شرعاً با رؤیت بصری ثابت می شود و در آیه شریفه به عنوان اولین علامت برای ثبوت ماه قرار داده شده است: هو الذی جعل الشمس ضیاءً و القمر نوراً و قدّره منازل لتعلموا عدد السنین و الحساب و ما خلق الله ذلک الا بالحق. در این آیه می بینیم که حرکت قمر که با چشم عادی دیده می شود، حد احکام شرعی قرار داده شده است، ولی معنایش این نیست که علم به دخول ماه از طرق علمی دیگر به نظر عرف نفی شده است؛ مثلاً اگر فرمانده به سرباز بگوید اگر دیدی دشمن حمله کرد او را بکش و سرباز با چشم سر دشمن را ندید، ولی تحرک ابزار و ادوات جنگی آنها را دید، باز هم باید مقابله کند، یا اگر به مکلفین گفته شد که هرگاه منکری دیدید باید از آن نهی کنید، شخص کور نیز که علم به منکر پیدا می کند باید نهی کند، هرچند به چشم سر نمی بیند.

3. رؤیت وسیله است نه غایت و بر این اساس رؤیت حسی مطلوب بالذات و شرط ثابت و لازم نیست و چون اسلام دینی برای همه عصرها و نسل ها و سازگار با علوم جدید و عقل و تفکر است، پس باید با منطق علمی اثبات اول ماه از راه وسایل جدید نیز سازگار و هماهنگ باشد. از این رو اثبات اول ماه با شهادت شهود، باید هماهنگ با موازین علمی باشد، چون رؤیت امری تعبدی نیست. (4. رؤیت) در لسان احادیث یعنی راهی علمی برای اثبات وجود مرئی، بدون آنکه رؤیت بصری خصوصیت داشته باشد. به تعبیر فنی، علما گفته اند که (رؤیت به وجه طریقت مأخوذ است، نه موضوعیت) و چون در زمان صدور نصوص در عصر اول تنها رؤیت حسی وسیله علمی شناخته شده بود، بر آن تکیه می شد.

5. ماه ها اموری تکوینی هستند و رؤیت کاشف از آن است و دخلی در تحقیق آن ندارد. محاسبات اخترشناسی الآن به دقت تمام

ولادت ماه را تعیین می کند و آنچه در روایات تحت عنوان تنجیم مورد نهی قرار گرفته است، مسلماً محاسبات نجومی امروزی نیست، چون این گونه محاسبات در آن زمان اساساً شناخته شده نبوده است.

6. روایاتی که گوید (اذا رأیتم الهلال فصوموا واذا رأیتموه فافطروا ولیس بالرأی بالتظنی ولكن بالرؤية) به قرینه مقابله می فهماند که مراد از رؤیت چیزی جز اثبات علمی نیست. پس محاسبات نجومی می تواند مورد اعتماد باشد. ملاک علم است و چنان که اصولیان گفته اند معنا ندارد که از علم نهی شود.

7. رؤیت بصری در معرض خطاهای بسیاری است که ناشی از بروز عوامل جوی مثل غبار و دود یا وجود ماهواره و وسائل پرنده در فضا یا عوامل نفسی و بیولوژیک است که این از همه مهمتر است؛ چون به طریق علمی ثابت شده است که انسان آنچه را می خواهد می بیند نه آنچه واقعاً دیدنی است.

8. برای جلوگیری از خطا در رؤیت بصری، وجود عواملی را باید شرط کرد، مانند عوامل جغرافیایی، عوامل مربوط به فیزیک جوی و عوامل فلکی مرتبط به موقعیت هلال و هندسه آن.

9. ماه در اصطلاح شرعی یعنی مدت زمان فاصل میان دو هلال، و در عالم خارج به این امر تحقق می یابد که هلال رؤیت پذیر باشد. با دقت و تأمل می توان این ضابطه را از نصوص روایی نیز استفاده کرد. مرحوم آیت الله سیدابوالقاسم خوبی می فرماید: (دلت الروایات الكثیره أيضاً ان الشهر الجديد انما یتحقق بخروج الهلال عن تحت الشعاع بمثابۀ یكون قابلاً للرؤية). و مرحوم آیت الله سیدعبدالعلی سبزواری می فرماید: (لیلة اول الشهر لیلة خروج القمر عن تحت الشعاع وبروزه الی الافق فی ای افق من آفاق البلاد کان).

حکم عقل نیز مؤید این ضابطه است؛ زیرا ماه واقعیتی است که به وجود واقعی هلال تحقق می یابد و شروع آن به خروج ماه از محاق است.

اثبات هلال به واسطه قول اهل خبره از اخترشناسان در اینجا چند قول است:

قول اول: رأی اخترشناسان مطلقاً اعتبار ندارد حتی اگر اطمینان آور باشد؛ ادله این گروه چند چیز است:

اول آنکه، از اعتماد به قول منجمین و اهل حساب نهی شده است و به وحدت ملاک، این نهی قول اخترشناسان جدید را نیز دربرمی گیرد.

دوم آنکه، علم اخترشناسی مبتنی بر حدس و ظن است و از اعتماد به ظن نهی شده است.

سوم آنکه، روایات خاص فقط دو طریق را برای اثبات اول ماه بیان می کند، یکی رؤیت و دیگری اتمام ایام ماه قبل و اطلاقش دلالت بر نفی هر طریق دیگر دارد.

چهارم آنکه، رجوع به اخترشناسان اگر جایز است حتماً در روایات ما منعکس می شد؛ چون مسئله محل ابتلا و دواعی بر سؤال و جواب فراهم بوده است. پس معلوم می شود که عدم صحت رجوع به اخترشناسان امری متسالم و مفروغ عنه بوده است.

هر چهار دلیل مورد خدشه و مناقشه است که پیشتر به آنها اشاره شده است.

قول دوم: نظر اخترشناسان اگر اطمینان آور باشد معتبر است؛ به چند دلیل:

اول آنکه، فلکی از اهل خبره است و سیره عقلایی و متشرعی بر حجیت قول اهل خبره در هر فنی قائم است؛ مگر آنکه خلافش ثابت شود.

دوم آنکه، نصوص دال بر اعتبار رؤیت به قرینه عقل حمل بر ارشاد می شود و تنبیه به حجیت هر طریق علمی دارد نه آنکه دلالت بر تحدید تضییق داشته باشد.

قول سوم: قول اخترشناسان معتبر است، ولی در حد قرینیت که به شرط انضمام بقیه قراین می تواند اطمینان آور باشد.

هر سه قول مورد بررسی و مناقشه قرار گرفته است و در نهایت ما به نتایج زیر رسیده ایم:

1. برای اثبات اول ماه، (رؤیت) به نحو موضوعیت اخذ نشده است.

2. آنچه برای فقیه و متفقه مهم است، اثبات اول ماه است نه اثبات هلال، و ما با رجوع به اخترشناس می خواهیم اول ماه را از طریق امکان رؤیت پذیری اثبات کنیم، چه هلال رؤیت شود یا نشود و لذا آیت الله مکارم می فرماید: اگر اخترشناسان تعیین هلال، با وسایل علمی دقیق اتفاق نظر پیدا کنند، مخالفت با آنها مورد اشکال خواهد بود، مگر آنکه جمع زیادی برخلاف نظر آنها ادعای رؤیت داشته باشند.

3. اگر ماه قمری تحقق پیدا می کند هلال از دایره ظل خارج شود و قابلیت رؤیت پیدا کند، حتی اگر بالفعل دیده نشود؛ زیرا عدم رؤیت آن از ناحیه عدم وجود هلال نیست، بلکه به خاطر غلبه نور شمس بر نور قمر است. البته تولد ماه باید قبل از غروب شمس باشد نه قبل از زوال، چون اگر قبل از زوال باشد کاشف از آن است که به شب دوم ماه وارد شده ایم. چنانکه روایاتی بر این مطلب دلالت دارد و این روایات قابل قبول است مگر آنکه از نظر علمی قطع به عدم صحت آنها پیدا کنیم که در آن صورت روایات را باید تفسیر مناسبی کرد.

4. مجرد خروج قمر از محاق برای ترتب آثار شرعی مربوط به ماه جدید کافی نیست، بلکه شرعاً وقتی ماه جدید داخل شده است که قمر از دایره ظل به قدری دور شود که با چشم عادی رؤیت شود.

ضرورت همراهی علم فقه و علم فلک

بر این لزوم همراهی هم ضرورت شرعی وجود دارد و هم ضرورت علمی و اجتماعی؛ ضرورت شرعی آن است که بسیاری از احکام عبادات و معاملات متوقف بر اثبات اول ماه است، و ضرورت علمی آن است که اسلام دینی موافق با علم است و رجوع به اهل خبره و متخصصین را برای تشخیص موضوع می پذیرد، و ضرورت اجتماعی عبارت است از لزوم توحید صفوف و رفع عوامل اختلاف برای ایجاد همبستگی بیشتر میان مسلمین.

پیشنهادات:

1. دایر شدن بحث های علمی مربوط به اخترشناسی در ضمن دروس حوزه های علمیه.

2. تأسیس رصدخانه های متعدد زیر نظر متخصصین در کنار برخی مراکز حوزوی.

3. تشکیل هیئت علمی از فضای حوزوی و اخترشناسان که برای تشخیص اول ماه و رصد هلال همفکری کنند و نتیجه کار آنها در خدمت مراجع تقلید باشد.

این مقدار، خلاصه مقاله شیخ حسین المصطفی رئیس جلسه بود که مکتوب آن را طی هفت صفحه در اختیار ما گذاشتند. ناگفته نماند که در مورد حجیت محاسبات نجومی و مقدار اعتماد بر آن در کنار حجیت رؤیت شخصی و حجیت شهادت شهود، نوعی ناسازگاری و تردید در مطالب دیده می شد، چنانکه درباره موضوعیت یا طریقیّت رؤیت نیز محل نزاع، تنقیح نشده باقی ماند و درباره ملاک قرار گرفتن تولد تکوینی ماه و تکوینی بودن (ماه) یا اعتباری بودن ماه قمری نیز بحث به جایی نرسید.

سخنرانی جعفر فضل الله، فرزند علامه محمدحسین فضل الله

سپس سخنران دوم، آقای جعفر فضل الله، فرزند علامه به ارائه مطالب خود پرداخت و در طرح زوایای بحث دقت بیشتری داشت. نکات مهم مقاله ایشان چنین بود:

1. رؤیت، وسیله اثبات موضوع خارجی است که عنوان (شهر) است.
2. استفاده از علم فلک درباره وقوع اقتران یا حجم هلال یا ارتفاع و زاویه آن لاقلاً در جهت نفی اعتبار رؤیت و وقوع خطا در آن، قابل قبول است و حجیت آن ثبوتاً مشکلی ندارد، اما از زاویه اجتماعی مشکلی در حجیت اثباتی آن وجود دارد.
3. نکته مهم دیگر برای بحث، ایجاد تألیف میان منهج قرآن و منهج سنت، در حدی بالاتر از بحث تخصیص و تقیید است. سؤال این است که چگونه می توان ظاهری را بر ظاهر دیگری حاکم قرار داد. سیدوالد این مسئله را بررسی کرده و به نتایج جدیدی برخلاف نظرات مشهور رسیده است و (ما خالف الکتاب) را ساقط کرده است و این روش، البته روش صحیحی است (ولکن لو یمكن تأویل ظاهر الکتاب حتی لا یخالفه السنه یؤخذ به).
4. در بررسی روایات رؤیت هلال باید دید راوی علاوه بر ثقہ بودن، آیا متأثر از مسائلی هم بوده است یا نه؟ باید دید چه ذهنیتی داشته است؟
5. برخی مثل شهید سیدمحمد صدر می گویند باید نگاه مجموعی به روایات داشت. واضح است که در نصوص، رؤیت بصری مراد است.
6. قال الله تعالی: شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن؛ عنوان مطرح در اینجا (شهر) است و عرف از شهر به طور ارتکازی حرکت نورانی قمر را می فهمد که از هلال تا هلال است نه مجرد تولد تکوینی.
7. (شهر) وجود واقعی دارد که مرتبط به تکوین است نه شخص رائی، به دلیل آیه ان عدة الشهور عندالله اثنا عشر شهراً فی کتاب الله منها اربعه حرم که شهریت شهر را به حرکت اجرام مرتبط دانسته است و ربطی به رؤیت ندارد.
8. آیه شریفه هو الذی جعل الشمس ضیاء والقمر... دلالت دارد که برای قمر منازل دوازده گانه است، حال اگر قمر به صورت هلال بود و مانع اساسی برای رؤیت آن وجود نداشت، یعنی به لحاظ قرب و بُعد از خورشید و مقدار زاویه و محاسبات دیگر، اینجا اثبات اول ماه مشکلی ندارد.
9. درباره وحدت یا تعدد آفاق، جای بحث هنوز باقی است.

سخنرانی حجة الاسلام رضا اسلامی

آخرین مقاله ارائه شده در این کنگره که به منزله اختتامیه آن بود، مقاله بنده با عنوان (اثبات ابتدای ماه های قمری به حکم حاکم شرعی بود). خلاصه ای از آن به لغت عربی برای حضار بازگو شد تا راهی دیگر برای توحید صفوف و کم کردن اختلافات گشوده شود. چون اصل مقاله در کنار این گزارش برای نشر آماده است، از بیان تلخیص آن پرهیز می کنیم.

بدین ترتیب کنگره مذکور به پایان کار خود رسید و ظاهراً شرکت کنندگان هرکدام با حفظ مبنای خود و تکیه بر آن، دیگران را ترک کردند، در عین آنکه بستر مناسبی برای تعامل مثبت شیعه و سنی و شناسایی نقاط اشتراک و افتراق در این بحث علمی میان فقهای مذاهب، بلکه میان فقهای متعدد در درون یک مذهب فقهی را شناسایی کرده بودند.

1. صحیح بخاری، ج 2، ص 229، کتاب الصوم.

2. ابوالمعاطی نوری، المسند الجامع المعلن، ج 10، ص 128.

